

روش‌های تدریس خود راهبرانه

طراحی آموزشی با تأکید بر مهارت خود یادگیری

می‌کنند، غالباً مسائل را قابل حل و فرصت‌هایی برای تعالی و تکامل بیشتر می‌بینند. به این ترتیب، از محدودیت‌ها و تهدیدها راهی برای رشد و فرصت‌آفرینی جست‌وجو می‌کنند. تمایل این گروه از افراد، رسیدن از وضع موجود (در هر شرایطی) به وضع مطلوب است. به همین دلیل، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های موجود را به درستی شناسایی می‌کنند تا شیوه‌ای برای حل مسئله‌های پیرامون خود پیدا کنند. این سبک از تفکر ارثی و وابسته به ژنتیک نیست، بلکه مهارتی آموختنی است که امکان رشد و توسعه در هر ذهن دغدغه‌مندی را دارد. معلمان با بهره‌مندی از شیوه تدریس مبتنی بر حل مسئله، شیوه تفکر مسئله محور را پرورش می‌دهند.^۱

مهارت‌های مورد نیاز برای حل مسئله

به کارگیری روش‌های تدریس مسئله محور به تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده توانایی خودراهبری یادگیرندگان باشد. زیرا از دیگر استلزامات آن، توجه به مهارت‌هایی است که می‌توانند بر روش تدریس اثر بگذارند و نقش مکمل را ایفا کنند. برای مثال، خودارزیابی از آنچه در یادگیری به آن احساس نیاز می‌شود، توان و مهارتی مهم و تأثیرگذار است. اگر معلم در روش تدریس خود زمینه و فرصت مناسب خودارزیابی از نیاز یادگیری را برای دانش‌آموزان فراهم نکند، نمی‌توان پرورش خودراهبری را انتظار داشت.

همچنین، توانایی مدیریت اطلاعات از دیگر مهارت‌های مؤثر در رشد یادگیری خودراهبر است. بدیهی است، سطح و میزان

در ایجاد توانایی خودیادگیری و خودراهبری در یادگیری، روش‌های تدریس و رویکرد معلم نسبت به آموزش اهمیت و جایگاه والایی دارد. به این منظور لازم است معلم از شیوه‌هایی استفاده کند که مطابق آن دانش‌آموزان بتوانند از مهارت‌های خود برای پیشبرد یادگیری بهره‌مند شوند و سهم زیادی در مدیریت یادگیری داشته باشند. در این باره اصولی کلی و زمینه‌ای می‌توانند راهگشا باشند. در عین حال، روش‌های تدریس مسئله محور ظرفیت بیشتری برای این مقصود فراهم می‌آورند.

کلیدواژه‌ها: طراحی آموزشی، خودراهبری، خودیادگیری، یادگیری مشارکتی

ارتباط خودراهبری یادگیری با روش تدریس

آیا روش‌های تدریس می‌توانند به تقویت خودراهبری در یادگیری منجر شوند؟ این پرسشی است که همتواره نظر صاحب‌نظران و معلمان را به خود جلب کرده است. بررسی‌های کاربردی در این زمینه نشان می‌دهد، در میان انواع روش‌های تدریس، بخشی از آن‌ها که بر حل مسئله مبتنی هستند، می‌توانند با پرورش و تقویت این مهارت در دانش‌آموزان نسبت بیشتری داشته باشند.

ارتباط شیوه حل مسئله با تفکر

افرادی که سبک تفکر خود را در مسیر حل مسئله سازمان‌دهی



این توانایی در دوره‌های تحصیلی گوناگون متفاوت است، اما نوع انتظار و توجه معلم به توانمندسازی دانش‌آموزان، در طول بهره‌گیری از روش‌های تدریس مبتنی بر حل مسئله، می‌تواند راهگشای پرورش آن باشد و در نهایت زمینه‌ساز خودراهبری دانش‌آموزان در یادگیری شود. این مهارت هم‌تا با قدرت قضاوت و استدلال دانش‌آموز در مسیر تقویت تفکر انتقادی آن‌هاست. تنها یادگیرندگانی می‌توانند مسیر درست یادگیری خود را تشخیص دهند که امکان تصمیم‌گیری مبتنی بر دلایل و برهان منطقی داشته باشند و بر این اساس و با توجه به شناخت خود، یادگرفتن را با لذت دنبال کنند.

تقویت خودراهبری در فعالیت‌های آزاد

یکی از شیوه‌های تأمین‌کننده خودراهبری در یادگیری، ایجاد فرصت‌هایی در خارج از کلاس درس و محیط رسمی یادگیری است. در چنین حالتی، معلم چالش یا چالش‌هایی را مقابل دانش‌آموزان قرار می‌دهد و آن‌ها با تکیه بر مهارت حل مسئله به رویارویی با چالش اقدام می‌کنند.

در چنین شرایطی، دانش‌آموزان سه زمینه‌انگیزه‌ای دارند:

۱. یادگیرندگان فعالیت‌محور که برای یادگیری و فعالیت یادگیری تلاش می‌کنند، نه هدف.

۲. یادگیرندگان هدف‌محور که از یادگیری به عنوان ابزار دسترسی به اهداف معین استفاده می‌کنند.

۳. یادگیرندگان یادگیری‌محور که یادگیری را فقط به خاطر خودش دنبال می‌کنند.

در صورتی که معلم بتواند چالش‌های مرتبط با زندگی

دانش‌آموزان را شناسایی و حل آن را به مخاطبان واگذار کند، هر گروه از دانش‌آموزان، وابسته به نوع انگیزه خود، با فعالیت همراهی می‌کنند. مهم است معلم بتواند شرایط و موقعیت‌های گوناگون حل مسئله را نیز فراهم کند. در این زمینه، توجه به برخی اصول هدایت‌کننده، در طراحی آموزشی مبتنی بر خودراهبری یادگیری مؤثر و سازنده است:

اصول اساسی در یادگیری خودراهبر

۱. برنامه‌ها باید مطابق یک دوره یادگیری باشد و هر کس متناسب با طبیعت خود در این دوره‌ها چیزی بیاموزد. در این اصل، بر داشتن ساختاری تأکید می‌شود که مطابق آن امکان رصد حرکت یادگیری هر فرد توسط خودش فراهم باشد و او بتواند با قرارگیری در یک دوره یادگیری، با توجه به علاقه و توان خود، تجربه‌هایی کسب کند.

برای مثال، معلم تصمیم می‌گیرد دوره‌ای آموزشی با عنوان «مبارزه با آلودگی هوا» طراحی و تدوین کند. پس حوزه‌هایی متناسب با توانایی‌های این گروه سنی پیش‌بینی می‌شوند. این فعالیت‌ها عبارت‌اند از: تشکیل کارگروهی متشکل از دانش‌آموزان، برای برنامه‌ریزی و برگزاری دوره‌های مقابله با آلودگی هوا، پیش‌بینی و پیشنهاد انجام فعالیت‌های گوناگون اعم از پژوهش در شناسایی راه‌های ایجاد آلودگی هوا و مقابله با آن‌ها، برگزاری همایش، برگزاری نمایشگاه و واگذاری غرفه‌ها به دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها، ایجاد ارتباط بین درس‌های مرتبط با موضوع و نمایش این ارتباط در نمایشگاه مربوطه و پیش‌ارائه همه موارد در صورت تصویب و تأیید در کلاس درس تفکر و پژوهش. با اعلام این برنامه و پس از تشکیل کارگروه مبارزه با آلودگی هوا، دانش‌آموزان علاقه‌مند شرکت در آن، با انتخاب حوزه فعالیت خود، تمایل خود را ابراز می‌کنند و به گروه هدایت‌کننده سپرده می‌شوند.

۲. برنامه‌ها باید با بلوغ فکری، رشد و تحولاتی متناسب باشد که یادگیرندگان آن را تجربه می‌کنند. چنانکه اشاره شد، این تناسب تنها به روند رشد که در روان‌شناسی رشد به آن اشاره می‌شود محدود نیست و لازم است به امکان انگیزندگی درونی دانش‌آموزان در ارتباط با روند رشد آن‌ها بررسی و توجه شود.

در نمونه مورد بحث، دادن آزادی و اختیار به دانش‌آموزان در انتخاب برنامه خود، شیوه‌ای برای توجه به انگیزندگی درونی آنان است. ممکن است دانش‌آموزی به انجام پژوهش تمایل نشان دهد، اما نخواهد آن را در روز همایش برای دیگران بازگویی کند. در این صورت هیچ ممنوعیتی برای این موضوع در نظر گرفته نمی‌شود.

تنها فراگیرندگانی می‌توانند مسیر درست یادگیری خود را تشخیص دهند که مبتنی بر دلایل و برهان منطقی را داشته باشند



جمع‌بندی

توانایی خودراهبری یادگیری با شیوه تدریس و عملکرد معلم در انتخاب راهبردهای آموزشی ارتباط مستقیم دارد. هر اندازه شیوه‌ها بر حل مسئله مبتنی باشند و مبنای تفکر مسئله محور را نشانه‌گیری کنند، به همان اندازه زمینه تقویت مهارت خودراهبری یادگیری دانش‌آموزان افزایش می‌یابد. با این نگاه، ارائه پروژه و انجام پژوهش‌های دانش‌آموزی نیز می‌توانند منبع توانمندسازی در شیوه یادگیری یادگیرندگان محسوب شوند، به شرط اینکه اصول اساسی و زمینه‌ای در این باره مورد توجه قرار گیرد. این اصول به‌نوعی با گزاره‌های ضروری در یادگیری شخصی ارتباط دارند و به همین دلیل زمینه خودراهبری را هم فراهم می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در شماره‌های پیشین مجله رشد فناوری آموزشی به کرات در موضوع روش تدریس حل مسئله مطالبی منتشر شده است.

منابع

1. Ao Man- Chih, (2006). The effect of the use of self- regulation learning strategies on college student's performance and satisfaction in physical education, A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements of degree doctor of education
2. Gibbons, M. (2002). The Self-Directed Learning Handbook: Challenging Adolescent Students to Excel. New York: Jossey-Bass.
3. Fisher, M., King, J., & Tague, G. (2001). Development of a self-directed learning readiness scale for nursing education. Nurse Education Today, 21
4. Chen, C. S. (2002). Self- regulated learning strategies and achievement in an introduction to information systems course. Information Technology Learning and Performance Journal, 20(1)

۳. برنامه‌ها باید به همه جنبه‌های زندگی مربوط باشند. با وجود اهمیت مطالعات دانشگاهی و شمول آن در تقویت خودراهبری، سهیم بودن تجربه‌های فردی و انسانی اثربخشی افزون‌تری در این زمینه دارد. حوزه شخصی با تکیه بر استعدادهای فردی، ارتباط فرد با دیگران، آموزش دیگران و کار با دیگران مشخص می‌شود. این موارد اصول مهم زندگی موفق در یادگیری هستند. با این تأکید که هر اندازه دانش‌آموزان در انجام فعالیت با دیگران مرتبط شوند و مشارکت در یادگیری را تجربه کنند، تجربه‌های فردی و انسانی عمیق‌تری نیز کسب می‌کنند.

۴. یادگیری خودراهبر باید شامل توانایی‌هایی فردی مثل احساسات، انگیزه، حافظه و هوش باشد. هر دانش‌آموز می‌تواند برای مشارکت در پژوهش و پروژه‌های مرتبط با موضوع، متناسب با امکانات در دسترس و توانایی‌های خود راهی را انتخاب کند. در واقع، علاوه بر شیوه ارائه نتایج پروژه، نحوه جمع‌آوری اطلاعات و طی کردن مراحل حل مسئله نیز بر اساس تناسب با سن و توانایی فرد متفاوت و متنوع است.

۵. فعالیت‌های خودراهبری در محیط‌های متناسب با رشد این ویژگی انجام شوند. کلاس محل مناسبی برای خودراهبری است، ولی خودراهبری می‌تواند در محیط‌های محدودتر از کلاس نیز انجام شود. بسیاری از تجربه‌ها می‌توانند به‌طور مستقیم در کلاس به دست آیند یا از طریق تحریک به‌طور غیرمستقیم حاصل شوند (با رایانه و دیگر وسایل ارتباطی) ولی خودراهبری زمانی خوب عمل می‌کند که افراد بدانند چه چیز را و در کجا باید بیاموزند.

روش‌های تدریس مبتنی بر حل مسئله با پرورش و تقویت مهارت خودراهبری یادگیری در دانش‌آموزان نسبت بیشتری دارند